



مرکز مدیریت حوزه علمیه

معاونت آموزش

مدیریت امتحانات

بسمه تعالی

امتحانات ارتقای - مرداد ۱۳۸۸

پایه :		۴	موضوع :	فقه ۲
تاریخ :		۸۸/۵/۲۲	ساعت :	۱۰/۳۰

نام کتاب: شرح لمعه، از اول کتاب الصوم تا اول کتاب المتاجر

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی:

۱. يعتبر في شروط وجوب الصوم ج ۲۰۲

☐ الف) التمييز
☐ ب) الخلو من الكفر
☒ ج) العقل
☐ د) الخلو من الاستحاضة
۲. لو حج مخالفاً ثم استبصر الف ۲۳۳

☐ الف) لم يعد إلا أن يخل بركن عندنا
☐ ب) لم يعد إلا أن يخل بركن عنده

☐ ج) يعيد لأية الاحباط
☐ د) يعيد للأصل
۳. للفقهاء حال الغيبة إقامة الحدود مع الأمن و الحكم بين الناس. ج ۳۲۶

☐ الف) يحرم
☐ ب) يكره
☒ ج) يجوز
☐ د) لا يجوز
۴. گزینه صحیح را انتخاب کنید. د ۳۸۴

☐ الف) يلزم الوقف بعد تمام صيغته بدون القبض بإذن الواقف
☐ ب) يصح وقف المنفعة و الدين

☐ ج) لا يدخل في وقف الحيوان لبنه و صوفه
☒ د) يدخل في وقف الحيوان لبنه و صوفه

تشریحی:

* «يحرم صوم العيدين و أيام التشريق و صوم الصمت و الوصال». ۲۱۸ - ۲۱۷

۱. أيام تشریق به چه روزهایی گفته می‌شود و روزه آن برای چه کسانی حرام است؟ مقصود از صوم صمت و وصال چیست؟

أيام التشريق هي الثلاثة بعد العيد لمن كان بمنى ناسكاً أو غير ناسك.

صوم الصمت و هو أن ينوى الصوم ساكناً.

صوم الوصال و هو أن ينوى يومين فصاعداً لا يفصل بينهما بفطر أو صوم يوم إلى وقت متراخ عن الغروب و منه أن يجعل عشاؤه سحوره بالنية.

* «ويستحب للمعتكف الاشتراط في ابتدائه، للرجوع فيه عند العارض كالمحرم فيرجع عنده و إن مضى يومان و قيل يجوز اشتراط الرجوع فيه مطلقاً فيرجع متى شاء و إن لم يكن لعارض».

۲. متن فوق را به صورت کامل توضیح دهید.

مستحب است برای شخص معتكف كه در ابتدای اعتكاف شرط كند كه در وقت پیدا شدن مانع از اعتكاف خود برگردد مانند شخص محرم كه مستحب است در وقت احرام، شرط كند در وقت پیدا شدن مانع از احرام خود برگردد پس می‌تواند برگردد اگر چه دو روز از اعتكاف گذشته باشد، بعضی از فقهاء گفته‌اند كه جایز است به طور مطلق اشتراط رجوع در اعتكاف كند پس جایز است از اعتكاف برگردد هر وقت كه بخواهد گرچه رجوعش به خاطر مانع نباشد.

* «السعي ركن يبطل النسك بتعمد تركه و إن جهل الحكم، لا بنسيانه، بل يأتي به مع الإمكان و مع التعذر يستتبع كالطواف و لا يحل له ما يتوقف عليه من المحرمات حتى يأتي به كمالاً أو نائبه». ٢٦٩

٣. متن فوق را توضیح داده، مرجع ضمیر «یتوقف» و «علیه» را بنویسید؟

سعی رکنی است که بواسطه ترک آن عمداً عبادت باطل می شود اگر چه از روی ندانستن حکم باشد ولی بواسطه فراموش کردن باطل نمی شود بلکه در صورتی که برای او ممکن باشد باید آن را به جا آورد و اگر ممکن نبود مانند طواف نائب بگیرد و محرماتی که حلیت آنها توقف بر انجام سعی دارد بر او حلال نمی شود مگر اینکه سعی را به طور کامل خودش یا نائش به جا آورد.
یتوقف: به ما بر می گردد. علیه: به سعی

* «و لو رحل من منی قبل الرمی أداءً و قضاءً رجع له فی آیامه». ٢٨٩

٤. مقصود از آیام رمی چه روزهایی می باشد؟ در مسأله فوق، اگر رجعت ممکن نباشد، وظیفه مکلف چیست؟
ایام رمی: ایام تشریق.

فإن تعذر علیه العود استناب فيه فی القابل وجوباً إن لم يحضر و إلا وجبت المباشرة.

٥. مقدار كفاره هر کدام از موارد زیر را در حالت احرام بنویسید.

الف: فی النعامة: ج. بدنة ثم الفضّ علی البر و إطعام ستین ثم صیام ستین يوماً ثم صیام ثمانية عشر يوماً
ب: فی الطبی و الثعلب و الأرنب: ج. شاة ثم الفضّ المذكور و سدس ما مضی فیطعم عشرة ثم یصوم عشرة ثم ثلاثة

* «من خرج علی المعصوم من ائمة فهو باغ واحداً کان أو أكثر و يجب قتاله حتی یفیء». ٣٢٣

٦. قید «حتی یفیء» به چه معناست؟ برای باغی واحد و اکثر مثال بزنید.

حتی یفیء: ای یرجع إلى طاعة الإمام.

باغی واحد: کابن ملجم لعنه الله. اکثر: کأهل الجمل و صفین

٧. ضوابط و شرایط نذر (منذور) را بیان کنید و صیغه نذر را به صورت کامل بنویسید. ٣٤٠

و الصیغة: إن کان کذا فلله علی کذا.

و ضابطه [أن یكون طاعة] واجباً کان أو مندوباً [أو مباحاً راجحاً] فی الدین أو الدنیا [مقدوراً للناذر]

* «وتحرم علی القاضی الرشوة». ٣٥١

٨. مقصود از رشوه چیست؟ وظیفه قاضی در صورت گرفتن رشوه، چه خواهد بود؟

رشوه: و هو أخذه مالاً من أحد الخصمین أو منهما أو من غیرهما علی الحكم أو الهدایة إلى شیء من وجوه سواء حکم لبذلها بحق أم باطل.
فتجب إعادتها مع وجودها و مع تلفها المثل أو القيمة.

* «إذا وقف علی أولاده اشترک أولاد البنین و البنات». ٣٩٠

٩. دلیل اشتراک اولاد بنین و بنات در مسأله فوق چیست؟

لاستعمال الأولاد فیما یشمل أولادهم استعمالاً شائعاً لغة و شرعاً کقوله تعالی: یا بنی آدم (یس/٦٠) یا بنی اسرائیل (البقرة/٤٧) و للإجماع علی تحریم حليلة ولد الوالد ذکراً أو أنثی من قوله تعالی: (و حلائل أبنائکم) و لقوله صلی الله علیه و آله وسلم ولا تزرفوا بنی یعنی الحسن.